

مفروضات - الهام و کشفیات و رؤیا و

تسخیر ارواح

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



الهام و کشفیات و رؤیا و تسخیر ارواح - مفروضات - اثر
حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

سؤال

بعضی برآند که کشفیات روحانیه دارند یعنی با ارواح مکالمه مینمایند ، این چه قسم است ؟

جواب

اکتشافات روحانیه بر دو قسم است یک نوع اوهام است که مصطلح اقوام سائره است و نوع دیگر که مانند رؤیاست و آن حقیقت دارد نظیر رؤیای اشعیا و رؤیای ارمیا و رؤیای یوحناست که حقیقت دارد . ملاحظه نمائید که قوه متفکره انسانرا دو نوع تصور است یک نوع تصور صحیح است چون منضم بتصمم گردد آن تصور در خارج تحقق یابد مانند تدابیر صائبه و آراء سدیده و اکتشافات فنیّه و اختراع صنایع جدیده و نوع دیگر از تصورات آن افکار فاسده و خیالات بیهوده است که ابدأ نتیجه و ثمری از آن حاصل نشود و حقیقت ندارد بلکه مانند امواج بحر اوهام موج میزند و چون خوابهای بیهوده میگردد . بهمچنین کشفیات روحانیه بر دو قسم است یک قسم رؤیای انبیاست و اکتشافات روحانیه اصفیا و رؤیای انبیا خواب نیست بلکه اکتشافات روحانیت و این حقیقت دارد میفرماید که شخصی را در



ORIGINAL



AUDIO

چنین صورتی دیدم و چنین گفتم و چنان جواب داد این رؤیا در عالم بیداری است نه خواب بلکه اکتشافات روحانیست که بعنوان رؤیا میفرماید و قسم دیگر از کشفیات روحانیه اوهام صرف است ولی این اوهام چنان تجسم نماید که بسیاری ساده دلان گمان نمایند که تحقق دارد. و دلیل واضح بر این اینست که از این تسخیر ارواح ابداً نتیجه و ثمری حاصل نشود بلکه مجرد حکایت و روایت است. بدانکه حقیقت انسانیه محیط بر حقایق اشیاست و کشف حقائق و خواص و اسرار اشیا را می نماید مثلاً جمیع این صنایع و بدایع و علوم و معارف را حقیقت انسانیه کشف کرده یک وقتی جمیع این فنون و علوم و بدایع و صنایع سر مکنون و مکتوم بود بعد بتدریج حقیقت انسانیه این را کشف کرده از حیز غیب بحیز شهود آورده. پس ثابت شد که حقیقت انسانی محیط بر اشیاست زیرا در اروپا است اکتشاف امریکا نماید در زمین است کشفیات در آسمان کند کشف اسرار اشیاست و واقف بر حقائق موجودات. این کشفیات واقعه که مطابق حقیقت است مانند رؤیاست که آن ادراک روحانی است و الهام رحمانی و الفت ارواح انسانی چنانکه میگوید چنین دیدم و چنین گفتم و چنین شنیدم. پس معلوم شد که روح را ادراکات عظیمه بدون وسائط حواسّ خمسّه مثل چشم و گوش است و ادراکات روحانیه و مکاشفات وجدانیه اتّحادی مقدّس از وهم و قیاس و الفتی منزّه از زمان و مکان در میان روحانیان هست. مثلاً در انجیل مذکور که در جبل طابور موسی و ایلیا نزد مسیح آمدند و این واضح است که این الفت جسمانی نبود یک کیفیت روحانیه است که تعبیر بملاقات شده است. و نوع دیگر از مکالمات و احضار ارواح و مخبرات اوهام است و محض خیالست و لکن چنین بنظر میآید که حقیقت دارد. عقل و فکر انسان گاهی اکتشاف حقایق نماید و از آن فکر و اکتشاف آثار و نتایج حاصل گردد این فکر اساس دارد ولی بسیار امور بخاطر انسان آید که مثل امواج بحر اوهام است ثمری ندارد و نتیجه ای بر آن ترتیب نیابد و همچنین در عالم خواب رؤیائی بیند که بعینه ظاهر میشود وقتی خوابی بیند که ابداً ثمری ندارد. مقصود اینست که این حالتی که میگوئیم مخبرات ارواح یا مخاطبات ارواح یک قسم از آن اوهام محض است و قسم دیگر که عبارت از رؤیاهای مذکور در کتاب مقدّس مثل رؤیای یوحنا و اشعیاست و مثل ملاقات مسیح با موسی و ایلیا حقیقت دارد و آثار عجیبه در عقول و افکار حاصل گردد و انجذابات عظیمه در قلوب پدید شود.